



فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۲۶۱-۲۷۷

مقاله مروری

شناسایی عوامل مرتبط با پایداری ازدواج در مطالعات ایرانی (۱۳۸۸-۱۳۹۸)

محمد ثناگویی زاده^۱

استادیار مطالعات خانواده پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

(تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۰)

چکیده

هدف از این مطالعه، شناسایی عوامل مرتبط با پایداری ازدواج با استفاده از مرور پژوهش‌های ده سال گذشته است. روش پژوهش در این مقاله به صورت یک مطالعه توصیفی از نوع مرور سیستماتیک بود و جامعه آماری نیز کلیه مقالات پژوهشی مرتبط با پایداری ازدواج در ایران در ده سال گذشته است. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد که پس از جستجو و انجام فرایند غربالگری و ارزیابی کیفیت مقالات، تحلیل نهایی بر یازده مقاله صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که چهار عامل تفاوت‌های جنسیتی، تفاوت‌های نسلی، نظام ارزشی حاکم بر جامعه و سیاست‌های خانواده محور می‌تواند بر عوامل پایداری ازدواج تأثیرگذار باشد. دستیابی به پایداری ازدواج مبتنی بر الگوی پیشنهادی این پژوهش، نیازمند برنامه ریزی مؤثر و مفید سیاست‌گذاران و فعالان در عرصه خانواده است که باید مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی و نسلی، نظام ارزشی و سیاست‌های خانواده محور باشد.

واژگان کلیدی: پایداری ازدواج، مرور سیستماتیک، فراتحلیل کیفی، ایران.

مقدمه

مطابق با آمارهای ثبت احوال کشور و مرکز آمار ایران، آمارهای طلاق از سال ۸۸ تاکنون رو به افزایش است به گونه‌ای که هر سال حدود ۱۵ درصد آمار طلاق رشد داشته است و به همین ترتیب آمار ازدواج نیز روبه کاهش بوده است. در سال ۱۳۹۷ از هر ۳,۴ ازدواج، یک ازدواج منجر به طلاق شد، این در حالی است که در سال ۸۸ تقریباً از هر ۸ ازدواج یک ازدواج به طلاق ختم می‌شد.^۲ طلاق، حاکی از ناپایداری ازدواج و ناکارآمدی خانواده است. ازدواج‌هایی که منجر به طلاق می‌شود می‌تواند زوجین، فرزندان و خانواده‌های مرتبط با آنان را از نظر سلامت روانی، جسمی و اجتماعی دچار آسیب نماید (دهدست و قبادی، ۲۰۲۰؛ صدر الاشرافی، طارسی، شمشانی و اشرفی، ۲۰۱۳). با توجه به اینکه آمارهای روز افزون طلاق در هر سال و آسیب‌های ناشی از آن که متوجه افراد جامعه، خانواده‌ها و حتی حکومت و دستگاه‌های اجرایی می‌شود، ازدواج پایدار و کارآمد مطالبه سیاست‌های ابلاغی خانواده از ناحیه رهبری در سال ۱۳۹۱ قرار گرفت.^۳ مطالعات بسیاری بر متغیرهایی که باعث فروپاشی ازدواج می‌شوند، تمرکز کرده‌اند در حالی که تمرکز بر عواملی که منجر به پایداری ازدواج می‌شود عامل ایجاد تصویری از ازدواج پایدار خواهد شد که با ایجاد ترویج و گفتمان سازی آنها در فضای جامعه می‌توان شاهد نرخ پایین‌تری از طلاق، کاهش تعارضات، رضایت از ازدواج و پایداری ازدواج سالم بود (کارنی و بردبری، ۲۰۲۰). از این رو روابط زناشویی پایدار رضایتمند، زمینه ساز سلامت روانی، جسمی، اجتماعی و رشد کارآمدی اعضای خانواده خواهد شد (مارگلیش، اسپنویند، ویولیت، پیریگ-چپالو، ۲۰۱۷). به نظر برخی از پژوهشگران، با گسترش نگرانی از گسستگی در روابط زناشویی، نیاز بیشتری به فهمیدن فرایندهایی که می‌تواند خانواده‌ها را در برابر عوامل گسست خانواده، محافظت کند، احساس می‌شود به گونه‌ای که در دهه‌های اخیر خانواده درمانگران نظام محور، بیش از پیش جهت گیری نظریه و عمل را از یک الگوی مبتنی بر نارسایی به یک الگوی قدرت مدار تغییر داده‌اند (والش، ۲۰۱۵؛ ۲۷). بنابراین تمرکز بر عوامل پایداری و رضایت بخش در روابط زناشویی به جای تمرکز بر عوامل آسیب زا در روابط خانوادگی می‌تواند ظرفیت خانواده‌ها و توانمندی آنان را در مقابله با بحران‌ها و چالش‌های پیش رو نسبت به خطراتی که پایداری خانواده را تهدید می‌کند، افزایش داده و ازدواج آنان را پایدار و رضایت بخش نماید. ازدواج‌ها در فرهنگ‌های مختلف دارای ساختار، آیین‌ها، مراسم و انتظارات متفاوتی است که طی زمان نیز تغییر خواهد نمود. در غرب افراد انتظارشان از ازدواج، برای عشق، شادکامی و کامروایی شخصی است (صبور اسماعیلی و شعبی، ۲۰۱۷؛ جانسون و هاک، ۲۰۱۸)، در حالی که عوامل ازدواج پایدار در ایران به لحاظ فرهنگی و مذهبی می‌تواند متفاوت از بافت فرهنگی ازدواج در غرب باشد. زیرا تعالیم اسلامی که شامل آموزه‌ها، ارزش‌ها و تکالیف است، بر پایداری

2 - <https://www.sabteahval.ir>

3 - KHAMENEI.IR

ازدواج تأکید دارد (سالاری فر، ۲۰۱۷؛ ۲۰۱۳؛ محمودزاده، یوسفی و گل پرور، ۲۰۱۹؛ بستان، ۲۰۱۳) هم چنین فرهنگ ایرانی، فرهنگ خانواده محور است یعنی نظام خانواده در ایران به عنوان یکی از مهمترین نظام‌های اجتماعی پویایی‌های مختلفی دارد که مفهوم ازدواج، عوامل و فرایندهای تحقق آن می‌تواند پایداری آن را تحت تأثیر قرار دهد (آزادارمکی و ظهیری‌نیا، ۲۰۱۰) از این رو نمی‌توان نتایج مطالعات غربی را به مطالعات ازدواج پایدار در ایران تعمیم داد. بنابراین با توجه به دیدگاه توانایی محور درباره ازدواج و خانواده و تأکید اسلام بر تعالیمی که زوجین و خانواده‌ها را در برابر آسیب‌ها، مشکلات و فقدان‌ها، توانمند می‌نماید، ضروری است که در راستای آن، با مرور مطالعات سیستماتیک، عوامل مرتبط با پایداری ازدواج شناسایی شده و از آن برای تحقق چشم انداز پایداری خانواده بهره برده شود. پژوهش‌های گوناگونی طی ۱۰ سال گذشته به دنبال شناسایی علل پایداری ازدواج با رویکردهای روانشناختی (حاجیان مقدم، ۲۰۱۴؛ ثناگویی زاده، ۲۰۱۶؛ قاسمی، اعتمادی و احمدی، ۲۰۲۰؛ کرایبی، خجسته مهر، سودانی، اصلانی، ۲۰۱۷؛ صباغچی، ندوشن و ترابی، ۲۰۱۷)، اجتماعی و فرهنگی (آزادارمکی و ظهیری‌نیا، ۲۰۱۰؛ عبداللهیان و حسنی، ۲۰۱۶؛ عموزاده مهدریجی، ۲۰۱۷؛ ده‌دست و قبادی، ۲۰۲۰) بوده‌اند که به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌شود. در پژوهشی که به صورت مرور سیستماتیک صورت گرفت؛ نتایج نشان داد عواملی مانند عشق و دوستی، احترام و احساس قدردانی، اعتماد و وفاداری، ارتباط خوب، رابطه جنسی خوب، ارزش‌های مشترک، توانایی انعطاف پذیری در مواجهه با تغییر، حسی از معنویت، باور به نهاد ازدواج و پیش فرض تداوم داشتن زندگی باعث پایداری ازدواج آنان شده است (کریمی، بختیاری و آرنی، ۲۰۲۰). در پژوهش دیگر که با روش تحلیل مضامین بر زنان ایرانی دارای ازدواج موفق تمرکز داشت، نتایج نشان داد که مضامین زیر بر ازدواج پایدار آنان تأثیر داشته است: تأثیر خویشان سببی بر موفقیت ازدواج و حفظ مرزهای مناسب با آنان، مصالحه کردن بخاطر حفظ رابطه، حس کلی از احترام و عشق نسبت به یکدیگر و خانواده، تحمل ناکامل بودن‌ها و اشتباه‌های همسر و اعتماد به یکدیگر (کولاموسی، ۲۰۱۳). در پژوهشی دیگر که توسط صباغچی، ندوشن و ترابی (۲۰۱۷) انجام گرفت، عوامل مقوم و فرساینده خانواده ایرانی طی یک فراتحلیل به چند دسته طبقه بندی شدند که عبارت بود از: عوامل فرهنگی شامل (ایمان، عقاید و ارزش‌های اخلاقی)، تعاملات خانوادگی، سلامت جسمی و روحی، رشد فردی، شیوه اداره زندگی خانوادگی، امور اقتصادی و رفاه مادی، محیط فرهنگی اجتماعی و سیاسی جامعه، اختلاف سنی زوجین، طول مدت زناشویی، خدمات عمومی و حمل و نقل عمومی و ملاحظات بهداشتی جامعه. پژوهش‌های نامبرده نشان می‌دهد مطالعات مختلفی با روش‌های کیفی، کمی و تجربی و نیمه تجربی به دنبال شناسایی عوامل مرتبط با پایداری ازدواج هستند. این پژوهش‌ها با توجه به آنکه از نظر روش، جامعه آماری و حجم نمونه متفاوت است از این رو نتایج متفاوتی نیز نشان می‌دهند هر چند که در ارائه برخی از عوامل، همسانی و همسویی دارند. بنابراین به نظر می‌رسد پرداختن به پژوهشی مستقل با رویکرد کمی و کیفی

نمی‌تواند نگاه جامع و کلانی نسبت به این مؤلفه‌ها ایجاد نماید. زیرا این مطالعات با یک جامعه آماری و حجم نمونه محدود مواجه است و این امر در معرفی عوامل مرتبط با پایداری خانواده باعث محدودیت می‌شود. بنابراین یک پژوهش مروری می‌تواند این محدودیت را برطرف نماید. زیرا پژوهش مروری نظام مند باعث می‌شود مطالعات گوناگون را از حیث جامعه‌های آماری مختلف، گروه‌های نمونه متعدد مورد بررسی و مطالعه قرار دهد تا در مجموع به عوامل مرتبط با پایداری دست یافت. با توجه به مبانی نظری گفته شده، این پژوهش درصدد آن است که عوامل مرتبط با پایداری ازدواج را مطابق با پژوهش‌هایی که طی ۱۰ سال گذشته در ایران صورت گرفته، مبتنی بر یک مطالعه مروری نظام مند استخراج نموده، به معرفی و تبیین آن بپردازد.

روش پژوهش

این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی بوده و با توجه به روش اجرا یک مطالعه مروری از نوع سیستماتیک^۴ است. مرور تحقیقات گذشته به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود که مطالعه مروری سیستماتیک از نوع نظام مند و به نوعی تحلیل سطح دوم مطالعات پیشین محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، مرور نظام مند مرور ساخت یافته‌ای از مطالعات پیشین است که دارای ضوابط و قوانین از پیش تعیین شده می‌باشد (سجادی، وامقی، فروزان، رفیعی، محقق کمال، نصرت آبادی، ۲۰۱۳). هدف از مطالعات مرور سیستماتیک یا فراتحلیل کیفی آن است که با یکپارچه کردن و ترکیب نظریه‌ها، روش‌ها و یافته‌های پژوهش‌های انجام شده، عناصر اصلی پژوهش‌ها کشف و مورد تفسیر و تبیین قرار گیرد (محمدی، خرازی، کاظمی فرد و پور کریمی، ۲۰۱۷). جامعه آماری این پژوهش عبارت بود از کلیه مقالات پژوهشی حاصل از مطالعات کیفی و کمی در خصوص پایداری ازدواج که در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ به چاپ رسیده‌اند. معیارهای ورود مقالات به پژوهش عبارت بود از، جامعه آماری مقالات پژوهشی ایرانی باشد، مرتبط با عوامل پایداری ازدواج باشد، در بازه زمانی پژوهش قرار گرفته باشد. روش اجرای پژوهش بدین صورت بود که ابتدا با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع شامل پایداری ازدواج، ازدواج پایدار، پایداری زناشویی، خانواده پایدار در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی شامل SID، ENSANI، Magiran، Noormags، Google Scholar، طی ۱۰ سال گذشته مقالات جستجو شد. حاصل این جستجوی اولیه دستیابی به ۲۰ مقاله بود. نحوه جستجو بدین صورت بود که در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی، در قسمت جستجوی پیشرفته، کلیدواژه مورد نظر در قسمت‌های جستجو در عنوان، جستجو در چکیده و جستجو در کلیدواژه‌ها ثبت شد، سپس بازه زمانی ۸۸ تا ۹۸ انتخاب گردید و در نهایت جستجو صورت گرفت. تعداد ۲۰ مقاله به دست آمده وارد فرایند غربالگری شدند. در غربالگری، چکیده مقالات به منظور بررسی معیارهای پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت و مقالاتی که معیارهای پژوهش را نداشتند از مطالعه حذف

شدند. در این مرحله تعداد ۱۹ مقاله وارد مطالعه شدند. در مرحله بعدی غربالگری، ارزیابی کیفیت مقالات براساس چک لیست‌های سایت برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی^۵ انجام شد. این چک لیست‌ها کیفیت انواع مطالعات شامل مطالعات توصیفی-همبستگی، مطالعات علی مقایسه‌ای، کارآزمایی بالینی و مطالعات کیفی را مورد بررسی قرار می‌دهند. ارزیابی کیفیت مقالات توسط دو داور انجام شد که در صورت تأیید هر دو داور، مقاله مزبور تأیید می‌شد و در حجم نمونه مقالات پژوهش قرار می‌گرفت و در صورتی که یک داور تأیید می‌کرد و داور دیگر رد می‌نمود ارزیابی نفر سوم ملاک قرار می‌گرفت و در صورت تأیید او نیز مقاله تأیید می‌شد. براساس فرایند ارزیابی، مقالاتی که از ارزیابی کیفی مطلوبی برخوردار نبودند از مطالعه حذف شدند. در این مرحله نیز با حذف هشت مقاله، تعداد یازده مقاله در مرحله نهایی غربالگری وارد تحلیل شدند. پس از ارزیابی مطالعات، یافته‌های هر مطالعه به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها وارد فرم اطلاعات شد و سپس داده‌ها تحلیل شد. در این فرم، اطلاعات مربوط به عنوان مقاله، نوع اثر، عنوان مجله، سال پژوهش، روش پژوهش، جامعه آماری، حجم نمونه، روش نمونه‌گیری و خلاصه یافته‌ها ذکر شد.

یافته‌های پژوهش

پس از جستجو و طی نمودن فرایند غربالگری بر مقالات حاصل شده از مرور سیستماتیک، در پایان، تحلیل نهایی بر یازده مقاله انجام شد. جدول ۱، توزیع مطالعات مروری را برحسب سال انتشار مشخص می‌کند. سال‌های انتشار در دو بازه زمانی پنج ساله طبقه بندی شدند.

جدول ۱ - توزیع مطالعات مروری برحسب سال انتشار

سال	فراوانی	درصد
۱۳۸۹-۱۳۹۳	۱	۹/۱۰
۱۳۹۳-۱۳۹۸	۱۰	۹۰/۹۰
جمع	۱۱	۱۰۰

مطابق با جدول ۱، بیش‌ترین مطالعات مرتبط با پایداری خانواده طی ده سال اخیر در بازه زمانی سال‌های ۹۳ تا ۹۸ انجام شده است. این موضوع حاکی از آن است که طی این بازه زمانی با توجه به رشد آمار طلاق و بی‌ثباتی ازدواج، برای پژوهشگران ایرانی بررسی پایداری ازدواج مورد اهمیت قرار گرفته است. جدول ۲، توزیع مطالعات مروری را برحسب جنسیت مشخص می‌کند. جنسیت جامعه آماری در مطالعات شامل زوجین، زن و مرد متأهل، زنان متأهل و مردان متأهل می‌شود.

جدول ۲ - توزیع مطالعات مروری برحسب جنسیت

جامعه آماری	فراوانی	درصد
زوج	۳	۲۷/۲۷
زن و مرد متأهل	۶	۵۴/۵۴
زن متأهل	۲	۱۸/۱۹
مرد متأهل	-	-
جمع	۱۱	۱۰۰

مطابق جدول ۲، بیشترین جامعه آماری مطالعات شامل زوجین و زن و مرد متأهل می‌باشد. جدول ۳، توزیع مطالعات مروری را برحسب روش مطالعه مشخص می‌کند. روش‌های پژوهش در مطالعات شامل روش‌های کیفی، روش‌های توصیفی همبستگی و روش‌های آزمایشی و نیمه آزمایشی است.

جدول ۳ - توزیع مطالعات مروری برحسب روش‌های مطالعه

روش	فراوانی	درصد
کیفی	۵	۴۵/۴۵
آزمایشی و نیمه آزمایشی	۲	۱۸/۱۹
توصیفی همبستگی	۴	۳۶/۳۶
جمع	۱۱	۱۰۰

از ۱۱ پژوهش مورد بررسی، تعداد ۵ مورد از پژوهش‌ها با روش کیفی، تعداد ۲ مورد با روش آزمایشی و نیمه آزمایشی و تعداد ۴ مورد با روش توصیفی همبستگی به مطالعات مرتبط با پایداری ازدواج پرداختند. جدول ۴، توزیع مطالعات مروری را برحسب جامعه آماری مشخص می‌کند. جامعه آماری پژوهش‌های مرور شده به دو بخش استان تهران به عنوان پایتخت ایران و سایر استان‌های کشور طبقه بندی شدند.

جدول ۴ - توزیع مطالعات مروری برحسب جامعه آماری

جامعه آماری	فراوانی	درصد
تهران	۳	۲۷/۲۸
سایر استان‌ها	۸	۷۲/۷۲
جمع	۱۱	۱۰۰

مطابق با جدول ۴، بیشترین مطالعات بر سایر استان‌های کشور غیر از تهران که حدود ۷۲ درصد از مطالعات را به خود اختصاص می‌دهد، انجام گرفت. جدول ۵، توزیع مطالعات مروری

را برحسب روش نمونه گیری مشخص می‌کند. روش‌های نمونه گیری متعددی در پژوهش‌ها مورد استفاده قرار گرفت. این روش‌ها شامل روش‌های نمونه گیری نظری، تصادفی ساده و خوشه‌ای، است.

جدول ۵ - توزیع مطالعات مروری برحسب روش نمونه گیری

روش نمونه گیری	فراوانی	درصد
نظری و هدفمند	۶	۵۴/۵۴
تصادفی ساده	۳	۲۷/۲۷
خوشه‌ای	۲	۱۸/۱۹
جمع	۱۱	۱۰۰

مطابق با جدول ۵، در مجموع پژوهش‌های مزبور، روش نمونه گیری در تعداد ۶ پژوهش، به صورت نمونه گیری نظری و هدفمند بود. تعداد ۳ پژوهش به صورت نمونه گیری تصادفی ساده، و ۲ پژوهش به صورت نمونه گیری خوشه‌ای بود. بنابراین بیشترین روش نمونه گیری مورد استفاده در پژوهش‌ها، روش نمونه گیری هدفمند بوده است. حجم نمونه مطالعات مرتبط با عوامل مؤثر بر پایداری ازدواج در مجموع ۲۹۳۲ نفر متأهل بودند که این تعداد از میان جامعه‌های آماری زوجین تهران (رادمهر، ۲۰۱۸؛ مدیری، ۲۰۱۷؛ اسلامی، ۲۰۱۴)، اهواز (کرایبی، ۲۰۱۷)، بجنورد (شیردل، ۲۰۱۸)، خوزستان (خجسته مهر، ۲۰۱۷)، زنجان (حاتمی، ۲۰۱۶؛ حاتمی، ۲۰۱۷) همدان (افشارکهن، ۲۰۱۹)، اندیشه‌های رهبری (محمودزاده، ۲۰۱۹) و آبادان (آذرکیش، ۲۰۱۷) بود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مطالعات انجام شده در جدول ۶، که مربوط به عوامل مرتبط با پایداری ازدواج است، به صورت خلاصه مشخص شده است.

جدول ۶ - مشخصات مطالعات مرتبط با عوامل مرتبط با پایداری ازدواج

عوامل مرتبط با پایداری ازدواج					نویسنده
عوامل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی (بقای نظام ارزشی و نگرش به پایداری خانواده، رسانه‌های نشاندن خانواده‌همسانی در ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک، رویکرد سیاستی جامعه مجور	عوامل بین فردی زن و مرد (حل مسأله، کیفیت رابطه جنسی، گذشت احترام، انعطاف پذیری تعهد و وفاداری، توجه، حمایت، صمیمیت، گذران وقت و تفریحات، پایبندی به حقوق و وظایف، سازگاری، فعالیت‌های اشتراکی	عوامل خانوادگی منظومه زناشویی پدر و مادری و چند نسلی کارآمد راهبردهای خانواده‌ها اتخاذ رفتارهای تعدیل کننده مشکل، ایفای نقش مناسب	عوامل فردی (ویژگی‌های شخصیتی نگرشهای کارآمد، ویژگی‌های شخصیتی پسندیده، مسئولیت پذیری)، عوامل اقتصادی، عوامل معنوی و اخلاقی.	عوامل پیش از ازدواج (آشنایی پیش از ازدواج، داشتن آمادگی پیش از ازدواج، نوابستگی پیش از ازدواج، علاقه و کشش نخستین	
*	*	*	*	*	حاتمی (۲۰۱۶ و ۲۰۱۷)
*	*	*	*	*	نجسته مهر (۲۰۱۷)
*	*	*	*	*	محمودزاده (۲۰۱۹)
*	*	*	*	*	حامد رادمهر (۲۰۱۸)
*	*	*	*	*	مدیری (۲۰۱۷)
*	*	*	*	*	شیردل (۲۰۱۸)
*	*	*	*	*	امین کرابی (۲۰۱۷)
*	*	*	*	*	افشارکهن (۲۰۱۹)
*	*	*	*	*	آذرکیش (۲۰۱۷)
*	*	*	*	*	اسلامی (۲۰۱۴)

مطابق با جدول ۶، عوامل مختلفی با پایداری ازدواج ارتباط داشتند. این عوامل شامل؛ عوامل پیش از ازدواج، عوامل فردی، عوامل بین فردی، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی بود.

عوامل پیش از ازدواج

از میان یازده مقاله عوامل مرتبط با پایداری ازدواج، دو مقاله به این عامل اشاره کرده‌اند. این عوامل شامل آشنایی پیش از ازدواج، داشتن آمادگی پیش از ازدواج، ناوابستگی پیش از ازدواج، علاقه و کشش نخستین (حاتمی، اسماعیلی، فرحبخش و برجعلی، ۲۰۱۶) است. در پژوهش کرایبی و همکاران (۲۰۱۷) وجود شباهت‌های میان زوجین در ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک به عنوان یکی از عوامل پایداری ازدواج مطرح شده است. دستیابی به این شباهت‌ها پیرو شناخت فرهنگ، داشتن اهداف مشترک و نگرش‌های مذهبی مشابه است، از این رو شباهت زوجین با توجه به ویژگی‌های اجتماعی، مانند نژاد، سن، میزان تحصیلات، و طبقه اجتماعی می‌تواند بر پایداری زناشویی تأثیر بسزایی داشته باشد.

عوامل فردی

منظور از عوامل فردی، عواملی هستند که مربوط به فردیت زوجین می‌شود. این عوامل شامل ویژگی‌های شخصیتی پسندیده، سلامت روان، نگرش‌های کارآمد، مسئولیت پذیری، عوامل معنوی و اخلاقی است. پنج مقاله به این عوامل اشاره کرده‌اند و یکی از عوامل مهم در پایداری ازدواج را عوامل فردی زوجین دانسته‌اند. در مقاله حاتمی و همکاران (۲۰۱۶) این عوامل با عنوان عوامل درون شخصی شامل ویژگی‌های شخصیتی پسندیده و نگرش‌های کارآمد مطرح شده است، مقولاتی که از نظر آنها ذیل ویژگی‌های شخصیتی پسندیده قرار می‌گیرند شامل؛ سخت کوش بودن، صبور بودن، تحمل سختی‌ها، از خودگذشتگی، نوع دوستی و کمک به انسان‌های دیگر است. از نظر کرایبی و همکاران (۲۰۱۷) ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند پیش بینی‌کننده ماندگاری در ازدواج باشد. علاوه بر آن، مسئولیت پذیر بودن زوجین به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی مهم بر دوام ازدواج تأثیر گذار است. نگرش‌های کارآمد شامل نگرش‌های مربوط به خود، مربوط به همسر، مربوط به خانواده، مربوط به دیگران و مربوط به خداوند می‌شود. نگرش‌های مربوط به خود شامل قبول داشتن خود، آغاز کردن تغییر از خود می‌شود. نگرش‌های مربوط به همسر شامل قبول داشتن همسر، انتظار داشتن در حد توان همسر، در اولویت بودن همسر نسبت به فرزندان و خانواده مبدأ است. نگرش‌های مرتبط با خانواده مبدأ؛ شامل تفکیک حساب همسر از خانواده مبدأ، مقبول و مثبت دانستن خانواده‌های مبدأ است. نگرش‌های مربوط به دیگران، شامل اولویت داشتن امور خانواده نسبت به دیگران می‌شود و نگرش‌های مربوط به خداوند شامل تکیه به خدا، برقراری رابطه خوب با خداوند، انجام اعمال و دستورات مذهبی، همسو بودن دینی و اعتقادی است. نگرش‌های مرتبط با زندگی زناشویی نیز شامل؛ انتظار سختی از زندگی داشتن، طبیعی دانستن وجود اختلاف در زندگی و مفروض گرفتن تداوم زندگی است. عوامل معنوی و اخلاقی یکی از دیگر از عوامل فردی مرتبط با پایداری ازدواج در خانواده است. عوامل معنوی و اخلاقی شامل رعایت دستورالعمل‌های دین

اسلام در خصوص خانواده و ارتباط زوجین با یکدیگر و سایر اعضا با همدیگر است. هم چنین رعایت خدامحوری در خانواده، پایبندی به اخلاق اسلامی نظیر گذشت، دوری از خودبرتربینی و عدم افتخار به ملاک‌های دیگر جز تقوا، احترام متقابل و پرهیز از اهانت، پرخاشگری و عصبانیت، تحقیر و تذلیل، رازداری و قناعت و تحقق آن در فضای خانواده است (محمودزاده، گل پرور و یوسفی، ۲۰۱۹).

عوامل خانوادگی

از بین یازده مقاله، دو مقاله به عوامل خانوادگی مرتبط با پایداری ازدواج اشاره داشتند. عوامل خانوادگی شامل منظومه زناشویی پدر و مادری و چند نسلی کارآمد و راهبردهای خانواده‌ها جهت تداوم ازدواج فرزندان‌شان است که شامل اتخاذ رفتارهای تعدیل کننده مشکل و ایفای نقش مناسب والدین است (حاتمی و همکاران، ۲۰۱۷؛ محمودزاده و همکاران، ۲۰۱۹). کارکرد مؤثر منظومه خانواده شامل عواملی همچون الگوگیری از ویژگی‌های مثبت و الگوی گیری معکوس از ویژگی‌های منفی خانواده، کمک به خانواده‌ها در صورت نیاز آنان، احترام به والدین و نقش مثبت داشتن خانواده است. در پژوهش محمودزاده (۲۰۱۹) ایفای نقش مناسب والدین بدین گونه تبیین شده است که مهمترین نقش مناسب والدین، ایجاد محبت بین زوجین است.

عوامل بین فردی

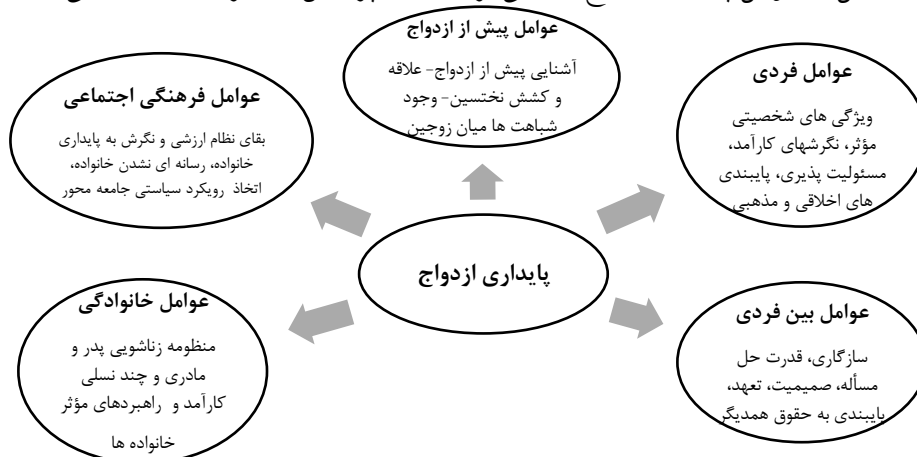
تمامی مقالات به این عامل اشاره داشتند و این نشان می‌دهد که این عامل از میان سایر عوامل در پایداری ازدواج قابل اهمیت است. عوامل بین فردی شامل عواملی است که زوجین باید در روابط زناشویی خود بکارگیرند. از نظر پژوهش‌ها (محمودزاده و همکاران، ۲۰۱۹؛ کرایبی و همکاران، ۲۰۱۷؛ شیردل، حسینیان، کیمیایی و صفاریان، ۲۰۱۸؛ مدیری، ۲۰۱۷) این عوامل شامل سازگاری، پایبندی به حقوق و وظایف، حل مسأله، کیفیت رابطه جنسی، گذشت، احترام، انعطاف پذیری، تعهد و وفاداری، توجه، حمایت، صمیمیت، گذران وقت و تفریحات، و فعالیت‌های اشتراکی است.

عوامل فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی

عوامل فرهنگی - اجتماعی شامل بقای نظام ارزشی و نگرش به پایداری خانواده، رسانه‌ای نشدن خانواده، اتخاذ رویکرد سیاستی جامعه محور است. چهار مقاله نیز به این عوامل اشاره داشتند. در این خصوص پژوهش افشارکهن و رضائیان (۲۰۱۹) نتیجه می‌گیرد که بین نظام ارزشی سنتی با نگرش به پایداری خانواده در طی چهار نسل و بین رابطه نظام ارزشی بقا در طی چهار نسل با نگرش به پایداری خانواده، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، این وضعیت در متولدین دهه ۵۰ با شدت بیشتری صدق می‌کند و کمترین میزان آن در متولدین دهه ۶۰

است. یکی دیگر از عوامل فرهنگی اجتماعی پایداری ازدواج از نظر پژوهش‌ها (قانع‌ی راد و عزلتی مقدم، ۲۰۱۰) رسانه‌ای نشدن خانواده است. بدین منظور که با افزایش اهمیت رسانه اقتصادی و پولی در خانواده، خانواده به سمت کالایی شدن، رفتاری شدن، و شیء وار شدن مناسبات خانوادگی می‌رود و با افزایش سرمایه داری در جامعه، برخی از کارکردهای خانواده به دولت انتقال پیدا می‌کند که نهاد خانواده به جای آنکه کارکردهای مستقل خود را داشته باشد، به نهادی اداری و دولتی تبدیل خواهد شد. بنابراین رسانه‌ای شدن خانواده در فرایندهای سه گانه خانواده آشفتگی‌هایی ایجاد می‌کند؛ آشفتگی در حوزه باز تولید فرهنگی، آشفتگی در پیوستگی اجتماعی، آشفتگی در جامعه پذیری. یکی دیگر از عوامل فرهنگی اجتماعی مرتبط با پایداری ازدواج، اتخاذ رویکرد سیاستی جامعه محور است. پژوهش قانع‌ی راد و عزلتی مقدم (۲۰۱۰) به این رویکرد اشاره نموده است. این رویکرد در برابر رویکردهای دخالت گونه دولت در نظام تقنینی، فرهنگی و اجتماعی خانواده است. سیاست‌هایی که می‌تواند از خانواده مراسم زدایی نماید، ازدواج و مراسم‌های آن را به سمت فرایندهای دولتی پیش ببرد مانند ازدواج‌های دانشجویی یا ازدواج‌های با مراسم گروهی. بنابراین رویکرد سیاستی جامعه محور معتقد است که خانواده باید کارکردهای جامعه پذیری، همبستگی و بازتولید فرهنگی خود را حفظ کند و تحت تأثیر دولت‌ها یا فرایندهای اداری قرار نگیرد. عوامل اقتصادی نیز شامل مسائل مالی و کاری زوجین است. داشتن شغل به معنای منبع درآمدی زوجین بویژه مرد از عوامل پایداری ازدواج شمرده می‌شود (حاتمی و همکاران، ۲۰۱۷؛ کرابی و همکاران، ۲۰۱۷). داشتن شغل از دو جهت بر پایداری ازدواج تأثیر گذار است. از یک جهت تأمین اقتصاد خانواده و از جهت دیگر مناسب بودن شغل یا توافق بر شغلی که زوجین برای خود در نظر گرفته‌اند.

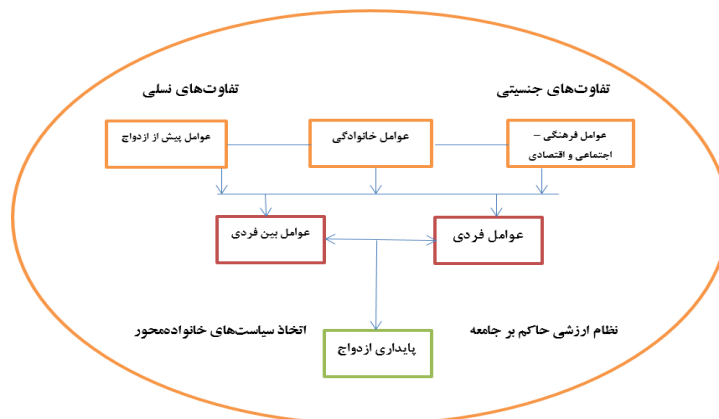
شکل ۱، عوامل پایداری ازدواج را مبتنی بر یافته‌های پژوهش‌های مرور شده نشان می‌دهد.



شکل ۱ - عوامل پایداری ازدواج.

نتیجه گیری

مطابق با یافته‌های پژوهش‌های مرور شده، می‌توان نتیجه گرفت، عوامل بین فردی و فردی نقش تعیین کننده‌ای برای پایداری ازدواج دارند. زیرا سایر عوامل می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر عوامل فردی و عوامل بین فردی تأثیر گذار باشد به گونه‌ای که شرایط اقتصادی یا فرهنگی و یا عوامل خانوادگی نگرش‌های آنان را نسبت به زندگی، نسبت به همدیگر و یا نسبت به خانواده‌هایشان تغییر دهد، همچنین روابط بین فردی آنان را تحت تأثیر قرار دهد و مانع سازگاری یا ایجاد صمیمیت بین آنها شود، از سوی دیگر عوامل فردی و بین فردی نیز در یک تعامل کنشی نسبت به همدیگر قرار دارند، به نحوی که هر گونه ضعف یا قوت در هر یک از عوامل فردی یا بین فردی می‌تواند دیگری را تحت تأثیر قرار دهد. زیرا فردی که نگرش منفی نسبت به زندگی یا همسرش دارد، این نگرش منفی، باعث نارضایتی در روابط بین فردی آنان خواهد شد و از سوی دیگر ناسازگاری در روابط بین فردی نیز باعث نگرش منفی نسبت به همدیگر می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد از بین عوامل پنجگانه پایداری ازدواج، نقش عوامل فردی و بین فردی در پایداری آن بسیار تعیین کننده باشد. مطابق با این توضیحات می‌توان الگوی زیر را به عنوان الگوی پیشنهادی پایداری ازدواج ترسیم نمود.



شکل ۲ - الگوی پایداری ازدواج.

مطابق با این الگو که برخاسته از مطالعات مروری پژوهش‌های ده سال گذشته است، سه عامل پیش از ازدواج، خانوادگی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی، می‌تواند بر دو عامل فردی و بین فردی تأثیر گذار باشد و هر یک از این دو عامل نیز می‌تواند با یک تعامل کنشی، نقش تعیین کننده‌ای را برای پایداری ازدواج داشته باشند. براساس این الگو، عوامل فردی و بین فردی می‌تواند به عنوان پیش بینی کننده‌های پایداری ازدواج محسوب شوند یعنی هر چند عوامل خانوادگی یا سایر عوامل، پیش بینی کننده مثبتی برای ازدواج پایدار نباشد ولی در صورتی که

عوامل فردی و بین فردی مطلوب باشند و زوجین از ویژگی‌های مثبت شخصیتی، نگرشی و یا مهارت‌های سازگاری و حل مسأله و صمیمیت برخوردار باشند می‌توان به پایداری ازدواج امید داشت. در مقایسه یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های قبلی می‌توان مطرح نمود که پژوهش‌هایی عوامل خانوادگی را به عنوان شرایط مداخله‌گر برای پایداری ازدواج در نظر گرفته‌اند. مثلاً در پژوهش حاتمی و رزانه و همکاران (۲۰۱۶) از این عامل به عنوان یک عامل مداخله‌گر یاد کرده است که در مصاحبه با یک زوج، شخص اینگونه مطرح می‌کند: «مادرم وقتی می‌آمد خونه و می‌دید من خونه هستم، به شوهرم گفت: من اجازه نمی‌دهم دخترم با شما بیاد، من اون جا سریع با همسرم رفتم و به مادرم گفتم شوهرمه و می‌خواهم با همه چیزش بسازم». این نشان می‌دهد هر چند خانواده‌ها ممکن است در برخی مواقع دخالت کنند ولی وجود عوامل فردی و بین فردی که در این مورد نگرش مثبت به زندگی و بکارگیری مهارت مقابله با دخالت خانواده از جانب فرد رعایت شده است، می‌تواند مانعی بر تأثیرگذاری منفی عوامل خانوادگی بر پایداری ازدواج باشد. همچنین عوامل پیش از ازدواج و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در پژوهش‌هایی به عنوان شرایط زمینه‌ای برای پایداری ازدواج محسوب می‌شوند (حاتمی و رزانه و همکاران، ۲۰۱۶؛ کرابی و همکاران، ۲۰۱۷). شرایط زمینه‌ای، نیز مانند شرایط مداخله‌گر نقش اصلی در پایداری ازدواج ندارند بلکه به عنوان عوامل زمینه ساز می‌باشند. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش‌های مزبور، الگوی پیشنهادی این پژوهش مورد تأیید پژوهش‌های حاتمی و همکاران، (۲۰۱۶) و کرابی و همکاران، (۲۰۱۷) می‌باشد. زیرا در این پژوهش‌ها نیز عوامل خانوادگی، عوامل پیش از ازدواج و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به عنوان شرایط مداخله‌گر یا زمینه‌ای محسوب می‌شوند و نقش اصلی را در پایداری ازدواج ایفا نمی‌کنند. برخی از پژوهش‌های مشابه خارجی از نظر اینکه عوامل فردی و عوامل بین فردی را به عنوان عوامل اصلی و مؤثر بر پایداری ازدواج می‌دانند، می‌توان همسوی با الگوی پژوهش حاضر دانست؛ مانند مطالعه بریانت (۲۰۱۰) که به بررسی الگوی فراگیر نژاد و ازدواج و عوامل مؤثر بر آن در زوجین آفریقایی پرداخت که نشان داد فشارهای مالی، شغلی، اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی بواسطه عوامل فردی نظیر اخلاق و مذهب، کنترل هیجانی و عوامل بین فردی نظیر گرمی و احترام متقابل بر پایداری ازدواج تأثیر گذار است. همچنین این الگو با پژوهش کریمی ثانی و احیایی (۲۰۱۱) همسوست زیرا آنان نتیجه گرفتند که عوامل خانوادگی از طریق عوامل فردی بر کیفیت زناشویی یا پایداری ازدواج تأثیر گذار است و عوامل فردی و بین فردی به طور مستقیم بر آن تأثیر دارد. از این رو به نظر می‌رسد این الگو مورد تأیید پژوهش‌های داخلی و خارجی باشد. بنابراین می‌توان عوامل مرتبط با پایداری ازدواج را از نظر الگوی پژوهش حاضر در چهار مقوله کلی جای داد. این مقولات شامل، عوامل فردی، عوامل بین فردی، عوامل خانوادگی و عوامل بافتی و زمینه‌ای است. در مقایسه این الگو، با الگوهای مشابه آن مانند الگوی ازدواج پایدار رضایتمند (حاتمی و رزانه و همکاران، ۲۰۱۷)، الگوی پایداری خانواده مبتنی بر آموزه‌های

اسلامی در اندیشه‌های رهبری (محمودزاده و همکاران، ۲۰۱۹)، مدل پیشنهادی کیفیت زندگی زناشویی (کریمی ثانی و احیایی، ۲۰۱۱)، مدل مضامین مرتبط با کیفیت زناشویی (کاوه فارسانی و مهدیه، ۲۰۱۸) و مدل سیستمی تحکیم خانواده (اسماعیلی و ارزانی و زرنیدی، ۲۰۱۸) می‌توان گفت این الگو از جامعیت مطلوبی برخوردار است. زیرا مدل‌های مزبور به بخش‌هایی از این مدل اشاره کرده‌اند و از بخش‌های دیگر آن غفلت نموده‌اند مثلاً الگوی ازدواج پایدار رضایتمند (حاتمی ورزنده و همکاران، ۲۰۱۶) که براساس نظریه داده بنیاد تدوین شده است، مقوله هسته‌ای را ازدواج بالنده معرفی می‌کند و از عوامل فرهنگی، اجتماعی سخنی به میان نیاورده است، در الگوی پایداری خانواده (محمودزاده و همکاران، ۲۰۱۹) که با استفاده از تحلیل مضامین سخنان رهبر انقلاب به نُه مضمون در خصوص پایداری ازدواج اشاره می‌کند که اغلب مضامین به مسائل معنوی، اخلاقی و حقوقی خانواده توجه داشته و به عوامل فردی نظیر سلامت روان، ویژگی‌های شخصیتی - جمعیت شناختی و به عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اشاره نشده است. در مدل سیستمی تحکیم خانواده (اسماعیلی و ارزانی و زرنیدی، ۲۰۱۸) نیز به ۵ عامل تعهد، صمیمیت، تعالی، پایداری اقتصادی و نشاط جنسی اشاره می‌کند. این مدل نیز به نظر می‌رسد هر چند به مؤلفه‌های مهم و مؤثر بر پایداری توجه نموده است ولی یک نگاه تفکیکی به الگوی پایداری داشته است. به عبارت دیگر به عوامل فرهنگی و نقش رسانه‌ها در روابط خانوادگی توجه نداشته است یا به عوامل فردی نظیر سلامت روان و ویژگی‌های شخصیتی اشاره نکرده است. از این رو به نظر می‌رسد الگوی پایداری ازدواج مبتنی بر پژوهش حاضر بهتر می‌تواند عوامل مرتبط با پایداری ازدواج را به صورت جامع و یکپارچه تبیین نماید. علاوه بر آنکه این الگو، نقش هر یک از عوامل را در ارتباط با پایداری ازدواج تعیین می‌کند، عناصر اصلی و پیش بینی کننده‌های تعیین کننده پایداری ازدواج را نیز در قالب یک فرایند مشخص می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که الگوی پایداری ازدواج تحت تأثیر تفاوت‌های جنسیتی، تفاوت‌های نسلی، نظام ارزشی حاکم بر جامعه و اتخاذ سیاست‌های دولت‌هاست. این تفاوت‌ها می‌تواند در حوزه عوامل بین فردی، فردی، عوامل فرهنگی اجتماعی - اقتصادی، عوامل خانوادگی و عوامل پیش از ازدواج تأثیر گذار باشد. به عنوان مثال تفاوت‌های جنسیتی می‌تواند در عوامل بین فردی نمود بیشتری داشته باشد زیرا مطابق با یافته‌های پژوهش مدیری (۲۰۱۷) همبستگی بین فعالیت‌های اشتراکی با همسر با کاهش گرایش به طلاق در زنان نسبت به مردان بالاتر است. یعنی برای زنان بیشتر از مردان فعالیت‌های اشتراکی با همسر با کاهش گرایش به طلاق رابطه مستقیم‌تری دارد یا همبستگی بین دیدار اجتماعی با نشاط زناشویی و کاهش گرایش به طلاق در نسل جوان نسبت به سایر نسل‌های دیگر بیشتر است. به عبارت دیگر پایداری ازدواج با توجه به تفاوت‌های نسلی می‌تواند متفاوت باشد. مثلاً برای جوانان پایداری ازدواج تحت تأثیر فعالیت‌های اشتراکی از قبیل گفتگو با همدیگر، گذران وقت با یکدیگر و دیدار اجتماعی است در حالی که پایداری ازدواج در نسل‌های قدیمی‌تر کمتر تحت تأثیر فعالیت‌های اشتراکی همسران

با یکدیگر است. همچنین نظام ارزشی حاکم بر جامعه در صورتی که مبتنی بر مؤلفه‌های سنتی ازدواج و نظام ارزشی بقاء آن باشد، پیش بینی می‌شود که ازدواج در مسیر پایداری قرار گیرد. شاهد بر آن، پژوهش افشار کهن و رضائیان (۲۰۱۹) است که یافتند متولدين سال‌های ۵۰ نسبت به متولدين دهه ۶۰ بیشتر به نظام ارزشی بقاء ازدواج و مؤلفه‌های سنتی آن اعتقاد داشتند و این امر زمینه‌ای برای پایداری ازدواج آنان نیز بوده است.

توصیه‌های سیاستی

اتخاذ سیاست‌های خانواده دولت محور یا خانواده رسانه‌ای باعث می‌شود خانواده کارکردهای مستقل خود را از دست بدهد و به عنوان نهادی در خدمت دولت‌ها باشد زیرا آنچه که باعث می‌شود تعاملات درون خانوادگی، آداب و سنن آن را تعریف یا باز تعریف نماید نظام مستقل خانواده نیست بلکه قانون، دولت و سیاست‌های آن می‌باشد. از این رو خانواده تحت تأثیر دولت‌ها و سیاست‌های آن در حال دگرگونی است و نمی‌تواند خود و کارکردهایش را مبتنی بر فرهنگ و جامعه پذیری حفظ یا احیاناً اصلاح نماید و از این رو با اتخاذ سیاست خانواده دولت محور، نظام مستقل خانواده فرو می‌پاشد. بنابراین برای اینکه خانواده به عنوان نهاد مستقل اجتماعی بتواند جامعه پذیری، همبستگی و بازتولید فرهنگی خود را حفظ کند، لازم است که به جای سیاست‌های دولت محور، سیاست‌های خانواده محور به عنوان یک نظام اجتماعی در نظر گرفته شود تا نظام خانواده نه به عنوان نهادی در خدمت دولت‌ها بلکه به عنوان یک سرمایه اجتماعی برای تقویت خود و سایر نظام‌های اجتماعی تبدیل شود و این مهم با در نظر گرفتن خانواده در بافت فرهنگی، اجتماعی آن و با حفظ و احترام به آداب، سنن و آیین‌های آن محقق خواهد شد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده، از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر، الگوی پژوهشی حاضر را به عنوان یک فرضیه مورد مطالعه قرار داده و نیکویی برازش آن را مورد بررسی قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود که مشاوران و روانشناسان و فعالان در عرصه خانواده زوجین را در عرصه عوامل فردی و بین فردی توانمند نمایند، آنگاه می‌توان پیش بینی کرد که ازدواج پایدار شود. پیشنهاد دیگر این پژوهش به سیاستگذاران، قانونگذاران و مسئولین فرهنگی و رسانه‌ای کشور است که در قانونگذاری و سیاستگذاری و تدوین برنامه‌های رسانه‌ای، نظام مستقل اجتماعی خانواده را در نظر بگیرند و برای حیات و بقاء آن، فرهنگ و جامعه پذیری خانواده را مورد توجه قرار دهند و به آداب، رسوم و آیین‌های خانواده در فرهنگ‌های مختلف ایرانی احترام گذارند و خانواده را تنها یک خانواده مدرن تحت تأثیر پذیرش سبک‌های غربی چه در تشکیل خانواده، و چه در تعاملات درون خانوادگی نبینند و نباید غفلت نمود که چه بسا بسیاری از اختلافاتی که درون خانواده‌ها ایجاد می‌شود به خاطر القاء نظام خانواده رسانه‌ای به خانواده ایرانی است. چون پژوهش حاضر براساس روش مطالعات مرور سیستماتیک انجام شد و یافته‌های آن براساس مطالعات مروری صورت گرفت پس مشمول

محدودیت‌های روش کیفی است، همچنین این پژوهش در بازه زمانی محدود به ۱۰ سال انجام شده است و تعمیم دادن نتایج آن به بازه‌های زمانی دیگر باید با احتیاط صورت گیرد.

قدردانی

در پایان از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به جهت حمایت نمودن از این پژوهش، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

منابع

- 1- Abdollahyan, H., & hassani, H. (2016). Social Media and Challenges to Iranian Family: a Study on Facebook Membership and its Impact on Family Privacy. *Journal of Social Problems of Iran*, 7(1), 228-203. doi:10.22059/ijsp.2016.60201
- 2- Afsharkohan, j., & Rezaeeyan, m. (2019). The Intergenerational Comparison on the Relationship between Individuals' Value System and Attitude towards Family Stability. *Sociology of Social Institutions*, 5(12), 293-326. doi:10.22080/ssi.1970.2141
- 3- Amoozadeh Mahdiraji, H. (2017). Family Policy and Social Changes in Islamic Republic of Iran. *Public Policy*, 3(1), 133-152. doi:10.22059/ppolicy.2017.62032
- 4- Azad Armaki, T., Zahiri. M. (2010). Value Orientation and Cultural Change in the Family. *Journal of Family Research*, 6(3), 279-297.
- 5- Azarkish, M., Naderi, F., Askari, P., & Heidarei, A. (2017). Effectiveness of Sexual Education on Marital Offence-Specific Forgiveness and Marriage Stability of Married Women in Abadan City. *Community Health Journal*, 11(Issue 3 , 4), 20-29. doi:10.22123/chj.2018.121280.1110
- 6- Bostan, H. (2013). Theoretical attempt to build an Islamic model of family stability. *Journal of Woman and Family Studies*, 1(1), 69-98. doi:10.22051/jwfs.2014.1509
- 7- Bryant, C. (2010). Understanding the intersection of race and marriage: Does one model fit all. *Psychological Science Agenda*, 1(1), 1-24.
- 8- Colamussi, A. L. (2013). *Iranian Women in Marriage: An Exploratory Study*: Alliant International University.
- 9- Dehdast, K., & Ghobadi, S. (2020). Explanation Factors Of Rupturing In Iranian Family Influenced By Modernization: A Qualitative Meta Analysis. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 11(43), 121-158. doi:10.22054/qccpc.2020.47218.2230
- 10- Eslami, M., Kazemi, M, Shah Karami, M. (2014). The effect of life review therapy with emphasis on Islamic ontology on marital conflicts and decision on the stability of marriage. (Masters), Allameh Tabatabai University Tehran.
- 11- Esmaeili, R., Arzani, Habib & Zarandi, Marjan. (2018). Family Consolidation, Challenges, Models, Policies and Programs. *isfahan: sorosh sepahan*.
- 12- Ghani Rad, M. A., Ozlati Moghaddam, F. (2010). Critical review of diagnoses and policies in family and marriage. *Journal of Social Problems of Iran*, 1(7), 161-193.
- 13- Ghasemi, S., Etemadi, O., & Ahmadi, A. (2020). Pathology of Couples and In-law Family Interactions: A Qualitative Study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 5(3), 250-262.
- 14- Hajian Moghadam, F. (2014). A Meta-Analysis in Family Studies: Strengthening and Distorting Factors in Iranians' Families. *Women Studies*, 5(9), 1-39.
- 15- Hatami Varzaneh, A., Esmaeili, M., Farahbakhsh, K., & Borjali, A. (2016). A Comparative Study of Satisfactory Lasting Marriages and Divorced Marriages. *The woman and families cultural-educational journal*, 11(35), 7-39.
- 16- Hatami Varzaneh, A., Esmaeily, M., & Borjali, A. (2017). Long term satisfied marriage model: A grounded theory study. *Family Counseling and Psychotherapy*, 6(1), 120-149.
- 17- Janssen, S. M., & Haque, S. (2018). The transmission and stability of cultural life scripts: a cross-cultural study. *Memory*, 26(1), 131-143.

- 18- Karimi, R., Bakhtiyari, M., & Arani, A. M. (2019). Protective factors of marital stability in long-term marriage globally: a systematic review. *Epidemiology and health*, 41.
- 19- Karimi Thani, P., Ahyaei, K. (2011). Presenting a Model for Married Life Quality Based on Pre-marriage Predictive Factors among Tabriz Couples Women and *Family Studies*, 4(13), 61-82.
- 20- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). Research on marital satisfaction and stability in the 2010s: Challenging conventional wisdom. *Journal of Marriage and Family*, 82(1), 100-116.
- 21- KavehFarsani, Z., & Mahdie, A. (2018). Develop a thematic model related to marital quality of the married men's viewpoint: A qualitative research. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 8(1), 19-44. doi:10.22055/jac.2018.25017.1571
- 22- Khojasteh Mehr, R., & Mohammadi, R. (2017). The experience of happiness in enduring marriages: A qualitative study. *Family Psychology*, 3(2), 59-70.
- 23- Koraie, a., Khojaste Mehr, R., Sodani, M., & Aslani, K. (2017). Identification of the factors contributing to satisfying stable marriages in women. *Family Counseling and Psychotherapy*, 6(2), 129-164.
- 24- Mahmoodzadeh, A., Azam, Yousefi, Z., & Golparvar, M. (2019). Developing Family Sustainability Pattern Based on Islamic teachings in Ayatollah Khamenei's Thought. *The Women and Families Cultural-Educational*, 13(46), 7-39.
- 25- Margelisch, K., Schneewind, K. A., Violette, J., & Perrig-Chiello, P. (2017). Marital stability, satisfaction and well-being in old age: variability and continuity in long-term continuously married older persons. *Aging & mental health*, 21(4), 389-398.
- 26- Modiri, F. (2017). Study on the Shared Activities with Spouse and Its Correlation with Marital Stability. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 6(3), 475-494. doi:10.22059/jisr.2017.222437.459
- 27- Mohammadi, S., Naghi kamal, S. A., Kazemi, M., & Porkarimi, J. (2017). Multicultural Education Management in Iranian schools': A Qualitative Meta-analysis. *Jsa*, 4(2), 87-107.
- 28- Radmehr, H., & Shams, J. (2018). Examining the association between religious commitment and marital stability among divorce-seeking and normal couples in Tehran. *Journal of Pizhūhish dar dīn va salāmat (i.e., Research on Religion & Health)*, 4(5), 77-86. doi:10.22037/jrrh.v4i5.15324
- 29- Sabbaghchi, M., Askari-Nodoushan, A., & Torabi, F. (2017). Determinants of the Attitude towards Marriage and Family Formation in Yazd City, Iran. *Population Studies*, 3(1), 131-162.
- 30- Sabour Esmaeili, N., & Schoebi, D. (2017). Research on correlates of marital quality and stability in Muslim countries: A review. *Journal of Family Theory & Review*, 9(1), 69-92.
- 31- Sadr al-Ashrafi, M., Khonakdar Tarsi, M., Shamkhani, A., Yousefi, M. (2013). Pathology of divorce (causes and factors) and strategies to prevent it. *Cultural Engineering*, 7(73), 1-28.
- 32- Sajadi, H., Vameghi, M., Setare forozan, A., Rafiey, H., ohgheghee Kamal, S., & Nosrat abadi, M. (2013). prevalence, risk factors and interventions of depression during pregnancy in Iranian Studies (1997-2011): A systematic review. *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences*, 5(2), 521-530. doi:10.29252/jnkums.5.2.521
- 33- Salarifar, M. R. (2013). Family; from the viewpoint of islam and psychology. Qom: Research Institute of Hawzeh and University.
- 34- Salarifar, M. R. (2017). Couple therapy an islamic approach. Qom: Research Institute of Hawzeh and University.
- 35- Sanagoezadeh, m., etemadi, ozra, ahmady, sayed ahmad, & jazayeri, rezvonossadat (2016). Identification of the Influencing Factors in the Process Family Counseling based on Islamic orientation. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 6(24), 55-80.
- 36- Shirdel, M., Hosseinian, M, Kimiaei, S.A., Safarian, M.R. (2018). DEVELOPING A CAUSAL MODEL TO PREDICT THE STABILITY OF MARITAL RELATIONSHIP IN COUPLES WHO ARE FACED WITH UNFAITHFULNESS. *COMMUNITY HEALTH*, 4(5), 376-385.
- 37- Walsh, F. (2015). Strengthening family resilience: Guilford publications.